

نویسد

(وابسته به حزب سوده ایران)

شماره ۱۴ - خنجر ۱۷ دیماه ۱۳۶۱

تحلیلی از آشوب‌های اخیر و محرک‌ها و هدف‌های آن ...

چه کسی سنگ می اندازد؟



در سه‌های قبسه شبه ششم دیماه صردی را در خوارگاه دختران دانشجو می‌شود. جراح‌ها را روش می‌کند و با سر و پا و های و هوی مدی و خنجر را از جیبش بیرون می‌کشد و خنجر چشم آن‌ها در هسل را با نگر می‌کشد. شیشه پیراهن‌ها را می‌کشد و سرها را واژگی می‌سازد و شمارهای تند سیاسی می‌دهد و دفتر خوارگاه را به هم می‌ریزد و آنگاه به انتظار می‌ایستد... در قالی بند مأموران کار در دانشگاه دوران سر می‌روند، مباحث نامشروع را کشتن کشتن با خود می‌برند و بر این حال اورا نیز مزاران دشمنان و تکره انواع تهدید می‌گویند. دانشجویان خواب‌آلود و باحورت ناظر این صحنه می‌مانند. چند تن از دختران دانشجو از سر کنگاری بیرون می‌آیند و مباحث دستگیر شده می‌روند. در محوطه تارکله خلوی خوارگاه مأموران به خیال آن‌که کسی حوالت آبیانیت، دست از گریبان مباحث می‌برد و دارند و همه با هم شروع به خنده می‌کنند. یکی از گریه‌ها از جوان می‌رود:

— خوب همه چیز را به هم ریختی؟
جوان به علامت تصدیق سر تکان می‌دهد. یکی دیگر از گریه‌ها با لحن درونشانه می‌پیشنهاد می‌کند:

— بروم دفتر به جای با هم بخوریم ...

انرژی مطبوعات کار گرفته و کرد با آزادی در بالای بولتن‌های دولتی که نام روزنامه را لکه در آورده اند و پهن گرفته استند! چگونه است که خبر تکثیر شیشه کلا می‌درست توسط ... دانشجو؟ استخونی تکثیر لوزی اراک با سنگ انداختن به پیک شیشه پانته صادرات و باحرف چاق و جله با شاخ و برگ و روزنامه‌ها نقش می‌بندد و اما خبر انتصاب ... کارگر کارخانه‌های بنز حاور و پیش‌از آن‌که نام شاه به کارگران انتصابی و احسراج دسته حمصی آتیا می‌آورد است سخنگفتارشان. حتی یکی دو مطبق ناقابل از سخن‌های پرباره روزی نامه هارا اشتغال نمی‌کند! چه روی داده که سر شکسته شدن شیشه‌های یک کلاس از رتبه‌های همی بیشتر از خبر طعمان‌های درون ارتش و باز است گروهی از افسران و درجه‌داران پیش صاحب‌ضمبان ارتش نظای کسب کرده است؟! چرا اعتراضات ۵۴ قالی و شصت و چهار و یکیل دادگستری به لوانج غیر قانونی جدید دادگستری و محسوطه ساواک بر ترقا قضایه و ازماب و اخراج این قضات شریف و آزاد باز دادسراها در هیچ جریده ای درزی نمی‌کند. تظاهرات ضد اشتغالی و دانشگر توده‌های مردم در صوف شعله در چند صد نفری در خیابان‌های تهران و بسیاری از شهرها در روزهای هزاد لری و هاتورا به سختی گمان می‌شود. اما مطبوعات شیشه‌ها به اصطلاح "دانشجو" نقل روزنامه‌های گرد و در نظرین و رادویی دولتی باطل و متصل بازرگی می‌شود؟

دیناله در شماره ۲

حادثه‌های که جزئیات آن از طرف چند شاهد همی نقل شده در چهار روزنامه صح و سر کشور، به‌ایله افشا و بعد همین چندین شکر می‌شد:

در ساعت ۲ با بعد از ۱۰/۱۰/۶۱ یکی از دانشجویان در آنگاه علوم ساکن کوی دانشگاه با شکستن شیشه در ورودی یکی از خوابگاه‌های دختران واقع در راه آسپاد وارد خوارگاه شد و پس از طعم سم تلخ و آبیخ و چند جام از شیشه‌های خوارگاه را شکست و سپهر به دفتر سرپرستی کوی مراجعه و در حال تکثیر و سایل موجود در دفتر توسط مأموران گرد دانشگاه دستگیر چون هنگام تکثیر شیشه‌ها زنی شده بود. در بیمارستان بستری گردید.

این حادثه در محلی می‌دهد؟ واضح است: رژیم آشوب‌خیزی به راه می‌اندازد. حادثه آفرین می‌کند و زویر نام دانشجو شیشه‌ها و پیراهن‌ها را می‌کشد و سرها را می‌کشد و به باگیا و ساسات عمومی و خصوصی پور می‌سوزد و مأموران نظامی لوزی را وارد دارند تا در شاهراه ایرو اتو بیسیل شاور و راه‌های کوی دانشگاه تهران را متوقف کند و اورا به نا کتک بکشد و آنگاه در روزنامه‌های دست‌آوردش به مباحثات می‌کوشد که مباحثات متولی شده و دانشجو بوده اند ...

و محیب این که همه این صحنه‌ها و طعمان‌های دستوری در روزنامه‌های ساواک زده که از طرف سانسور حقلال سانسور گرفته اند و ما آید و تاپ نقل می‌شود (در البته در همه روزنامه‌ها باید انشا و یله من گفته ای!)

آیا چاپ این همه خبر ریز و درشت از حوادثی که ناچند می‌چلی کمتر می‌شود: آن به حرایره‌ها می‌یافت، به خودی خود، فک انگیز نیست؟ بلکه به مرمت حلال و نامدار شرح سانسور

تهران، پایتخت توطئه جهانی

در لایه‌های خروارها خلق و ستایش و برتری‌های دیوانه‌بانه پدید آمده بود و با توجیه به رابطه هر یک از این میمانان سرشناسی با تهران‌ها و سواستل خلقهای میمانی و می‌توان به اعدای و مصلحت‌ها اگرات چند جانبه تهران می‌برد. مذ اگرات "سری" زیاد بگویم با شاه پس از آمدن گل‌تیر و گت و گوهام خصوصی و مسی چند سائنه اور به طور غیر مستقیم در صاحبه مطبوعات شاه شکر می‌شد. شاه در این صاحبه‌ها به دولت انقلابی اتوری که در کر می‌کند جنگ وسیع‌ترند الهی استخاطار کرد: "مسی توانیم نسبت به تباران نه عرزه‌های سیمالی بی تفاوت بمانیم". در این جمله کوتاه شماره تالی چشم و کن ارتجاع و ملوه اورا از سیمه اگه ارتجاع منطقه با همکاری امیرالایم بانگی برای درهم شکستن طاقت خلق مبارزات سیاسی جدید است. نمایان شد. انجیر به خاسبت موقعیت مهم استراتژیته آن در امر رقبا و کنترل طبیعی اثر بر آبراه دریای سوخ و در پرتو به انقلاب باطل و در کاتیک و صد امیرالایمیت به صورت خلاری در چشم امیرالایم جهانی و ارتجاع مسلط به به ارتجاع عرب در آمده است. از این‌ها می‌توانیم استنتاج کنیم که ارتجاعی و سواد و ایرانستان سعودی و چین شمالی و سیمالی مدنا به نیروی در هفان آزاد شده و کارگران زحمتکشان شهر و ریشترگان تکیه دارند و دست در دست می‌دهند. در حالی که سرآزاد سوادنی و ارتش سیمالی علنا و مستقیماً در داخل خانه انجیر (اثری در لریته و روی در صراطیک گاردن) شکر می‌کند که اند اختطار شاه ایران به دولت انقلابی می‌شود که هیچ اختلا

تفسیری پیرامون سفر زیاد باره
طک حسین مکارتر و نیز صافرت
پنهانی می‌شود ایمان به تهران ...

تهران در عهده گذشته پایتخت توطئه‌های جهانی و منطقه گره سیاست‌های امیرالایمیت و ارتجاعی در منطقه بود. سفرهای همزمان زیاد باره و رئیس جمهوری سیمالی، ملک حسین پادشاه اردن، وحی گزیر و رئیس جمهوری آمریکا و رئیس جمهوری سوئد ای نوشته در ایران و ملاقات سری اورا شاه که در نهایتاً متفا مسوت گرفت و سپس سفر نزول خیم‌الحی برده بود که در میان مرتجع پاکستان، از آن‌ها نونکته‌ها و تالی‌های ناسا کم و سو" طن انگیزی خبر می‌دهد. در حالی که سفر نوشته در ایران که در امیرالایمیت لندن در گفتار شب ۲ دیماه از آن‌ها بوده و برانست و با مسکوت کامل و متنی‌مانی محافل رسمی ایران روبرو شد و در لریه انگیزه‌ها و نتایج امن سفر در تهران میمانان نیز جزئیات را درسی و به به و بیجهت‌های بی‌وفا و بی‌وفا می‌دهد و در غلبه‌های رسمی طلبیب زیاد و منتشر شد. از لعل همین‌ها که با موهومات جنینی که

دیناله در شماره ۳۴

و کنترل بر سوشلیت بازارهای اصلی و تحمیل نرخ های دلخواه
به این بازار برون مرزی تر می بود و غیره... این سوره ای که
سرمایه داری در دست فرتن بیرونی بزرگ بود و گویا در دست
پهلوی قرار گرفته و سلطه اختیار بر او این سوره بر مردم
و سود آورترین صاحبان و مراکز اقتصادی و صاحب سهام
هر چه بیشتر از درآمد هنگفت نفت تسلط این سوره و در دست
اقتدار و گروه های طبقات حاکمه داخلی های وابسته است
به سوره که پاره ها و پاره های بیرونی این سوره را از سوشن
های اصلی تسلط و در دست بهره گیری از شرایط اقتصادی
به خاطر روح و تنگنای فقر و نگاه اقتصادی فاسد و بی ایمان
های بحران زای مردم خلاق فریاد بر شد تمام های اقتصادی
گسترش یافته را با فقرهای ها و فقرهای در تمامی شرف اقتصادی
و وضع به تدریج ایجاد کند. در چنین شرایطی نسبت به آنچه
آمواج اقتصادی و نظامهای تولیدی و حلال تولید ملی به
اشکال مختلفی بر راه و دستکاری فرایه آمده است. مردم برای
با بحران های عمیق اقتصادی و اجتماعی و سیاسی که به نحوی
بازتاب و بازتابی داشته و هستند. و چگونه از گسترش
فرایه اقتصادی و نظامها و مخالفت ها که در شرایطی سخت گذشت
نیروهای مخالف را به سوی جنبه واحدی سوق می دهند و همه
و عدت و فرزندانی اقتدار و برای برادر خود نیازمند است. او
درنگ کرده که باید حلقه های فسمی خود را بست کند بر خسته
صفحه خستید و امیدواران و ناراضی های مردم را بر سر حال آورد
به حمایت و ترویج فعال از خود را در فرود. در برابر امپرسن
سیاست است که حزب شرفورده ناگهان در شکم دولت بود و یک
های فخری سرگردی آن رنگ فریاد و سواران با به راه
انداختن نظامهای ملی و وضع به پاره ای بو سات و پیشگاه
های صنعتی و پانی و به پاره بانگها بنامش تاختند و مردم
از جنبش تولیدی و شکسته شدن نظم تحمیلی فعلی می ترسند
و به زود جنبش می کشد. آن سوره های روزهای اخیر و انتشار
خبرهای تحریف شده از هجوم غم و غم و غم مردم و در شرف
خسین برای هر سواران کلا قبای بر است. مردم در شرایطی
که زمین زبانی از راه این سوره کجا نیاز حتمی دارد.

چه باید کرد ؟

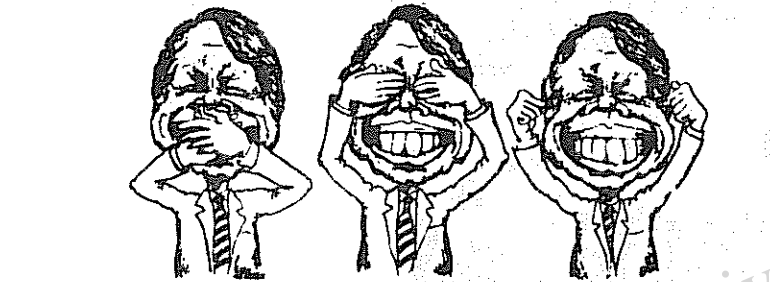
در برابر سیاست جنای و سیاست آتشی های کادیم چه باید
کرد ؟ همان جور که در سوره شاره گذشته نمود تا کدی کردیم
تنها از راه و رنگی ترین حربه ما در شرایط موجود اقتصادی
هم فداکاری این دنگلاری ها و ضربه شبانه ها است. به هر
وسله و پتانسی امکان باید در سوره های تازه شاه - سواره را
در مسائل و سماج و کانون ها حرمه های داخلی و خارجی انتساب
گم. باید بی نهایت زیر را به یک سر بزم دست سواره وادار شد
حتم هر وقت با ملوا و تبلیغ و هیاهوی در زمین بروکس. باید
این آخرین سوره های دفاع و هجوم سواره را از او که در
گسترش هر چه بیشتر و زیور شدت فداکاری های سوار و رحال سوار
های سوار و در برابر را میترس از پرتو انرژی و سوار و شکست
باید بر پرتو کار فعال و پیر و پیر و پیر و پیر و پیر و پیر
گروه های که گام و گام و گام و گام و گام و گام و گام و گام
پس بر حفر و لایم و از ضمیمه شدن آبا و باز به سوار
گرفتن شان تسلط نهادن حکومتی حاکمی کردیم.
فداکاری در این حرمه غیر مردم خونی پندارتند و تنها
دفاع نیست. تنها ما ست. و حرمه ما ست.
رهنمود گرانساز نشین که بر بزرگترین آرزوهای انقلابی جهان
و این اندامیم که
" نه اویزید در هیچ زبان دیگر. هیچ کاری را نمی توان
چون که تنها تاسی و سازندگی کار افتادگی
های سیاسی کرد. ... باید در حرمه تمام کشورهای
کمپین گاه مردم و شور و شوق فداکاری های سیاسی
و این گاه..."
در برابر فرتن اقتصادی و جنگی. بیرونی و داخلی
آن باز هم سخن خواهیم گفت.



تهران - پایتخت توطئه جهانی

مخانی و تضاد هر خودی با مردم ایران ندارد و تنها به دفاع
از مرزهای خود برای تجاوزات خارجی پرداخته است. و جز زینه
چینی شدت بخشیدن و گسترش یافته این تجاوز و مغرور شدن
بیشتر و فتنی تر ایران در این نهایی که یک مضمون می دهد ؟
" زیاد سوره " برای طبقات های بیشتر نظامی و مالی ایران به
زبانت حلا در خلق های ایران که مدعی سیاست مستقل ملی است
گفته و در پی از شکست های و سوار شده و طاف ترسای هند و چین
امریکا و دیگر قدرت ایجاب جدید تناسب نیروها در جهان فادر
به شرکت مستقیم در یک جنگ بزرگ نمایندگان است. برای همه
خود یعنی آرمانی که همه آمیزم جواع سوز و گریه کرده
چو بهتر که ما می توانیم ایرانی بپای و امکا نماند مردم که
باید صرف رفا و نونی بیرون آن شود. تمام ما و انقلاب است
فدا و ایستادگی مردم کرده شود. تجربه تلخ به در دهان
امریکا و مردم کرده است. سیاست نظامی که سوار شده است
نظری درونی خود چاره این جرم خرد ها و درگزی های نظامی
حده که الله در خدمت است و زون جهانی آمریکا در ضمن خلق
داشت و دارد. همه شرایط با فتره و مینتی بلی تمام جدید از جانب

امریکا و همه به صورت فرتنی حامی و مدعی آمده است. باید
اقتدار و تسلط مسلطی تحمیل کرد تا زمینه فرایه و انقلاب و
بازار اقتصاد جهانی و جنبش های داشته در دین و دین که پیشگاه
نیوز - پرتال و در این دیوان است که نیروهای از جنبی حربه
سود داری انوسادات پاشی و فتنی فعال امپریالیسم جهانی
در خدمت ایجاد جنبه شده از کشورهای ارتجاعی منطقه و سلط
و فصل نهایی بحران به هر چیزی که شده و بر آمده اند. شاه ایران
در این میان نقش دلال و پانده از بازی می کند. و عده های
تسلیمی امپریالیسم از حسب فراج زمالی هرستان سوردی و نشا
ایران که در لاریان نظری و در خدمت صالح ملت های خود
بلکه در سر شایع امپریالیسم و ارتجاع به کار گرفته اند و در این
- مردم بندی و فوج و چون یک طرفه بحران شاهانه نظری و دراز
اما این تلا شیا باید گسترده و عدت آن در مرحله گمان است
خسین با شکست و فضا و رو به روش است. مذاکرات سه جانبه
تهران که با محوریت سرقیمانده اسرائیل انجام گرفت محضه
کشتن این بیست بیارو ساری است به سیاست فتنی و تسلیم
خطبانه انوسادات که در شرف ناکامی و شکست نامیداری است
بود.



کاور بود "حقوق بشر" کارتن در ایران : او نه چیزی می شود... نه چیزی می بیند... نه چیزی می گوید !

مراکش) و جعفر نسیمی (جلد مردم سواد) انجام شود از
مرحله " نظامی و گسترش توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در
منطقه خرسیده ده.

تقریباً برده بانی که شاید در فیل و فال های کادیم در
بهر این بیانات شاه - کارتن پیشده ماند و مسئله نفت بود. شاه
قبلا به تبعیت از شاه کاخ سفید نشینان بانک - بانک و تازی
هرستان سوردی و ادارات متده عری از افزایش قیمت نفت برای
عدت شرا می در کفران سوار این در کارگاه حل کردیم.
این سیاست نظامی به شایع آشکار مردم ایران چار ایجاد گسترده
این داشت که خبرنگاران امریکایی و انگلیسی با حورت و ناباوری از
شاه پرسیدند :
- در برابر این احماسی که به فریب گرفته و چه انتظاری از
امریکا دارید ؟
شاه با فرتنی که چاکر طوقی و لام حلقه به گوشتی باخ داد :
- هیچ... خدمت فقط کله به اقتصاد بحران می شاید.
از جنبه مردم فقر ایران به امپریالیسم فرتنک لسان کردن
تروت های ملی را به زنیای در شان و افسی خلق های ملی و فتن
بی هیچ انتظار وطنی رانته از دیدگاه نشر طبقاتی و نمایندگی
آیند شاه قابل مرد است. اما آنچه قابل توجه است این که فدا
پس از رفتن کارتن از تهران پنهانی خیانت خود را بر سر برد.
از در صلحه او که را می رسد و ... بی سوندن فرستند
امریکا می ... بی هر چه به نحوی بخش های از آن را منتقم
کردند و اعلام کرد

ما فتنه خارا برای مدت یک سال تشییع کرده ایم...
این جمله که در در طنین و فترت شاه نسبت به انیسی
گیند و نشانه است که صلحه کنی در یوزی در تهران بین شاه
و کارتن انجام شده و شاه به جانبی نقل کرده است در اجسرای
سیاست انیسی کارتن در مذاکرات آمده این نیز از افزایش
بهای نفت جلوگیری کند. و اما که سیاست مستقل ملی شاه از این
بیشتر نمی شود !!

ایران مهابت. این سوار از زندگی پیش آمده شاه بارها
به صراحت تاکید کرد ما ست که ما سواری اسلحه شد و کله مانی
و درونی بی دهم. اما توطئه جدیدی خواهد خورد این خماوز
و اتحاد به درونی مستقیم گستراند. مائع امپریالیسم و ارتجاع
منطقه چنین حکم می کند و شاه ایران خردمند به این سیاست های
فدا بشوی و فدا خلقی چه نقی می زند داشته باشد ؟ اما شاه
و این با بان این نفس می براندند که انیسی و نظری است. این حرمی
مطمینان که با دست خلق آزاد و خواهی بر آمده و فتنی سرایا حزم
و اثر از آن حرامت می کند. فنی توان با دست زانده راه ما
نحوه های چون نسیمی و شاه ایران را می خواهد اند و زانده بارها چون
کرد. خلق انیسی در بیگانه آزادی بخشد و امپریالیستی خود
تنها نیست و کارگزار فتنه حمایت نیروهای انقلابی مشرفی جهان
از این سنگر انقلابی به میزان دشانت و هجوم ارتجاع امپریالیسم
به آن با ایجاد و تورج و فدا می خواهد گرفت. این حکماتسی
است که حتی شاه سیک نیز ایران با حده باسی که به سر دارد.
از آن آگاست. اما این آگاسی برای ما چرا می خواهد به شاه
و مساجمت او در بانی کردن با فتنی نیست. اینها را می می
و غط آسای سلا حبابی امریکایی که با فتنی فتنه شده اند
باید غالی شدند و امپریالیسم هم به خون و هم به تروت و هم به
فداکاری نیکران خود بیش از همه متخاج دارد. این واقعیت
در این ابطه با فتنه ظاهر این معنی اینگزان کتده شاه به انیسی
انتخابی و درونای تیره در برابر چشم های ما می کشد.

مذاکرات ها و مذاکرات لقمه با کارتن و ملک حسین پیشه
در میان بحرفی نظر از جنبه های که این دیگر و بی فتنه احماسی
داشت فتنه تهران خاور میانه.
ارتجاع حربه به سر بدهاری انوسادات و سوز و گریه
در حرمه سانه بحران خیز و در فتنه کارکنان با صبح مسموم
تسا و کوزو امپریالیسم جهانی است. این نوع خا حلقه و مسل
اختلاف ها با این گیری رومی و مینتی فدا امپریالیستی و دیگران
در کشورهای عربی و تصحیف انقلاب فلسطین که براندن اشکری
آگاهی و شور و ملیت و مرکز های فتنه ای آن برای دولت های
ارتجاعی حرمه همان فترت خا حلقه است که برای صبحی نیست

برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید

صفر قهرمانی

مبارزی که در زندان تاریخ می سازد

و فلان شادی و بخت هم هست. او از نژاد تو سکه شاید زیاد نداند، اما کثر نویسی و پیلوسو و هنرنگ است که زندگی را در اصفای و تنو و نرات ناموسی اش به حساسیت او درنگ کرده باشد. نظری های نویسی او که چو خطب نماذ فیز و مانده خود زندگی امیسل و واقعی است، هرگز آتشاه نی کنه. ایبه بدد این دانش عظیم تجربی ... و شاید بتوان گفت حالا دیگر تاحسه ای فریزی - تکلیف خود نیز دیگران را در برابر همه ساسیل و بفرنی ها و جادات زندان و حتی آوری که سالیست از آن جدا شده، به استثنای شگفتی آوری روشن می کند.

با آن لجه آوری شویسن، نگاه صافی و قات افراشته، سینه فراخ و پاهای که ستن های سنگی تختمشید را به ساد می آورد، صورت اندک گشتا آرد و پهن و شیار خورده ای کفها و حسانی روستا های آن بیایمان در آن می درخشد، کلاهی که طعم صوی "رضی" در آن موج می زند ... این خیل خلاصه شده در بخورده ها و تبخید گاهها، زندانها و تنگنه گاهها و در رضی راه دوش می کشد که سرانجام باید بر قه فتح افراشته کرد و چندی پیش به دنبال تظاهرات و مرکزات آسانه می سخنوی راه می رفتی چند از نمایندگان ساواک و زندانیانان نزد او رفتند. رهم شایب ساواک به وسعت نظری که در وجود این زندانی سالیمان طولانی و او تشدید می کند، به قدرت رسوا گزانه حقو این مبارز زوال ناپذیری می برده است. نمایندگان رتبه صفر خان گفتند:

- چرا چیزی نمی نویسی خودت را خلاص می کنی؟
- فرمان توده ای شانه بالا انداخته که؟
- من حرفی برای نوشتن ندارم.
- تقاضای عفو بکن.
- صفر خان به تلخی لبخند زد؟
- عفو بخواهی؟
- می خواهی ادای قهرمان هاراد را بگیری؟
- این شایسته که از من قهرمان می سازی. من به لوکسی گشایم و در بکه روستای این مملکت بدم. شانام را بر سر زانها انداخته.
- تبه بد شکر کنند؟
- شاکتیه گاه هم ندارم.
- می دانم.
- می توانم هر گاه کله شقی را بر سر مال بیاورم.
- امتحان کنه ... می فایده است ...
- آسبای دانشند که هر تلاشی برای به زانو در آوردن این مردی که طیش در سینه جرابی تبه می فایده است.
- صفر خان ۳۱ سال عمر کرده است. اوبی گوید؟
- با زهم صبر می کنم. ... آنگاه می نام تا فرزندان واقعی اینان در راهی زندان من و همه زندانیهای کشور ببارکتند ...



"زندانیایی که به نو و سورا ت باز دارند، به او توجه نمی کند. او در این خود آنگه تر تو خند است که می تواند به همه زندانیان جهان چیزی بداند. هر ما صفر خان هست، می شک زنده دلی و شوق زندگی و عظمت"

سال ۱۳۳۲ که سال زندانیان سیاسی جهان افراشته بود، به پایان رسیده اما هدیه ترین زندانی سیاسی دنیا با انبیا صافی و هنری در زندان شاه است. صفر قهرمانی به شامه مطبوعه مقاومت پهلوانی خلق های ایران ۳۱ سال است که هم در و قسیم و شرایط طاقت فرمای اسارت و زندان راز بر برابر هم انبیا صافی خود به سفره گرفته است. این فرزند خورشید آذربایجان، پاره ها گفته است:

"ندانم من در اینجا نمی مبارزه است"

به راستی این پایداری حماسی و نیردی یکه تنه و امضا ش و رانگیز، انبام بخش و افشاگر و بی نیروست، صفر قهرمانی مطبوعه زند و رسوایی رهم است که بقای خویش را در زندان ها و تنگنه گاههای جهنمی روز افزون خود می جوید. او فریاد ایران به بند افتاده، روح شمیم و آشتی ناپذیری خلقی است که به حرم عشق به آزادی، زور یافته جلادان و سچان خواران انشاده باره پاره شده و هزاران زخم برداشته، به غل و زنجیر کشیده شده و برده هاتر قتل آویخته، اما تسلیم نشده است. او نفس شکست ما و اثبات ادامه نیردی است که جز با پیروزی نمی توانست پایان دیگری داشته باشد. دیگر هوشنگ تهرانی شهید نام او و خلق ما و قهرمان توده ای در خاطرات خود از زندان - که به زودی منتشر خواهد شد - صفر قهرمانی را "مردی که از بیگس و فقط با خود تقاضا می نماند است" نامیده است. دیگر تهرانی گفته است:

"دانشمونی خواهیم. دانشگاه تهران اساسا دانشجویان را می پذیرد و دانشجویان را می خواهد که در آنها به دانشجو یان می گفتند:

"همه شما را به سربازی می فرستند و باز برگردانند و انتصاب می کنند."

رهم ضد فرهنگ از هفته پیش با ستم از تشکیل کلاسها محلا دانشگاه علوم اجتماعی را منحل کرده است.

اخراج دانشجو یان مدرسه

عالی پرستاری

به دنبال اعتراضات و دانشجویان مدرسه عالی پرستاری وابسته به دانشگاه پزشکی رازی به رفتار غیر اصولی و ستم دانشجو یان مدرسه، مردم تحصیلی ۷۰ دانشجویان منحل شدند. دکتر دانشجو به آنها اعتراضی اخراج شدند. اعتراضات دانشجویان کلا، جنبه صحنی داشته، آنها به شرایط محیط تحصیلی و طبعی و پزشکی در کلاسها و تنگنه ها (که کربا از احوال بیرونی خوب شیوه ساواک است) با اعتراض قرار در راهی روسی که با دانشجویان گفته بود، رفتند و دانشجو یان با اعتراضات و بیخشانه روی رو شدند و به اصلاح حیات علمی این مدرسه عالی زیر فشار رتسار دانشگاه تهران و روسی هس مدرسه عالی اقدام به تعطیل ترم و اخراج غیر قانونی ۱۰ دانشجویان دست کردند. دانشجویان که در روز پنجم به راهی برای گفت و گو با مقامات مدرسه عالی رفته بودند، به پاسخ علمی از سوی ساواکان رتسار شدند و مدتی بعد چندین مستخدم گردن کلفت و قهقاری به دستور مقامات به دانشجویان حمله کردند و توهین و تاسز و کتک آنها را از محیط مدرسه عالی بیرون راندند.

و انبیا صافی در وضعیت کردی بالا حره کارکنان را پس داد. هنری گروهی از دانشجو یان چون شده اند که کار خود را پس بگیرند.

گزارش های رسیده از دانشگاه صنعتی حاکی است که کسارت عده ای از دانشجو یان دانشگاه صنعتی که در تشریح سخنرانی یکی از اعضای کانون نویسندگان که به انتصاب نشسته و آرام حاضران انجمنه، بهشت تهرانی رفته و سخن گفته اند و از آن ها گرفته شده و هنری پس داده شده است.

خبرهای دیگر حاکی از این است که میران هنوز به استادان دانشگاه صنعتی اجازه تشکیل "شورای دانشگاه" را بر او رسیده به مسائل و حوادث اخیر که در حوزه اختیار و نظارت آنهاست نداده است.

بیرون راندن دانشجو یان

از دانشگاه های تهران و ملی

صبر در رتبه دراز هم در پناه جاری افراد گردد دانشگاه ملی به دانشجویان این دانشگاه حمله کردند تا آنها را از دانشگاه بیرون کنند. علاوه بر دانشجویان سبب زد و خورد شد و سرانجام محال رهم با حقو ت و هجوم همه دانشجویان از محوطه دانشگاه بیرون کردند.

صبح سه شنبه سوز هم در پناه گزارشهای شایع برای افراد گرده به دانشگاه تهران ریختند و دانشجویان را با زور و کتک ها بیرون کشیدند و به رهم مقاومت آنها، از محوطه دانشگاه بیرون راندند.

گروهی از دانشجویان که علت بدوش رهم در روزها ی گزارش دانشگاه که صبح گونه حرکت انتصابی و اعتراضی مشهود نیست و جفا شده بودند، جواب شنیدند که:

در دانشگاه چه میگذرد؟

سیاست ضد دانشجویی رهم در دانشگاه صنعتی تهران

رهم و همچنان با دستمال و میره های خود به سیاست ضد دانشجویی ادامه می دهد. در هفته گذشته علی رضا میران رئیس دانشگاه صنعتی برای اعمال فشار هر چه بیشتر بر دانشجویان ساواک این دانشگاه شیوه جدیدی را به اجرا درآورد که اشتاد اولیست بلندی از اساسی دانشجویان مبارز را با کتک در دانشگاه و ادرا آنها هم هنگام ورود دانشجویان با کنترل آنها، کسارت دانشجویی را که ناشان در لیست بود گرفتند. هنگامی که دانشجویان برای بازبینی کسارت خود اقدام کردند، آن ها را تیز بر سوز ساواکی و جناب علی رضا میران فرستادند. میران تفت دانشجویان را به بویوت و بعد از مدتی نصیحت تبه بدید و آن ها را به مرکز کرد فرستاد و کسارت را از روسی گارد بگیرد. رئیس گارد هم مدتی دانشجویان را نصیحت و تبه بدید کرد و آنها را برای گرفتن کسارت دوباره به میران پاس داد. این بار میران از دانشجویان خواست برای گرفتن کسارت پدرش را به دانشگاه بیاورند. بعد از حضور اولیست دانشجویان در دانشگاه بازم میران سفلی دانشجویان

در ارتش ایران چه میگذرد

ارانی

در زیر کاجهای بلند بریده رنگ
بر سکنی بسایه دیوار آجری
مردی نشسته بود
چندان خویش را بسوی طاق آسمان
(کاتباً همراز زندان گسترده بود بال)
خاخرز در بسته
روزهای عمری زندان گشته بود.

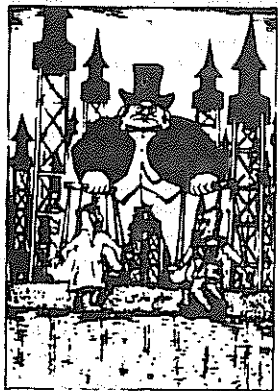
در فکر آنکه چون برسد ریز در آگاه
بهر دفاع خویش حق در هم کند
در ضم خویش را
آنکه که با دروغ دم از اتهام زد
با حجت برهن خود شرم کند.

در چنگ در نشان قوی بنده و لحظهای
اندیشانی نبود که جانش فنا شود
گویی شباب داشت
دل را به یک برنده خونین بدل کند
در خدیج زمان
بهر نجات خود بی همتا شود.

وقت غروب چون ز خورشید شامگاه
دیوار را طلایی و گلرنگ کرد بود
برخاست
وان سایه‌های تیره‌ی شوگر
سجای بر صلابت او را
با نقیصای خویش برآنگه کرده بود.

گویی تنهایی است به چشمانم
افراخته تر است از این کاجهای بند
با دست خویش را سکن طاق آسمان
در زیر پای او
هر سو درنده چون حشرانی ز جحیم
انبوه در نشان!

هرگز که مرد جلوس تاریخ صبرا
در آنگهی دل تجدید میکند
خود را که خرد و غمناک و سنج است آن زمان
کردی شترک و طاهر و جاوید میکند
روزه به جوج جوج زمان محرم به شمار
آید و بگذرد
کن با قیلهای که ارانی است زان شلار
اینان برابرند!



تاریخ جنبش انقلابی کجکهای گرانمای برسانند.
ارتش ایران با رشته‌های کیناگین با خلق پیوند دارد. افراد
آن تقریباً همگی از فرزندان کارگران و دهقانان و دیگر افساسار
زحمتگر، همجو رسنا میباشند و اکثریت سنگین کادر افسری آن از
اقتدار خوست و بی چیز جامعه برخواستند. درست است که
اشتراکیت‌گرایان و سطح پایین رشد آگاهی اعدای از این افراد
رافاست می کند و آنان راه صورت کارگران بی فکر هیئت‌ها که
در موارد اولی این عوامل هرگز نتوانند رشته‌های پیوند ارتش
را با خلق پاره کنند. بهیچ اینکه در مقابل بسیار مهم دیگر بهیچ
در اتم جهت نگه‌داری این پیوند اثر بی‌فایده. باقی فساد
بی بند و بار دستگاه حاکمه و بهیچ خایه‌ها شاه و دیگری حاکمیت
نفرت انگیز آنها با این آگاهی که به نام «مستشار» و گارنشمار در
ارتش ایران فرستاده می‌راند. افسران باگد امن و صیون‌پرست
می‌باشند که هدف دشمن ملامت برای ارتقه درجه و رسیدن به
طیامات ارتشی سه چیز است: اول اینکه بر دیوار فرمان بردار و
هر دو ستور چنایت باری را که کورواته اجرا کن مردم اینکه از جنب
و راست در پی کن و سهم بالاترها را بدون کر و کاست برسان
و دوم اینکه بهیچ گروه‌های انقلابی آگاهی که در پی نخله و بلو
با اطمینان در پیم که کتر صیون پرستی و خدمت به خلق که
با دست کتف معدنی خانیبا «سایله‌ها» می‌نهند پیوند شده
هرگز خاخرز نخواهد شد «هراند از همه که رژیم سیاه استبداد
سند رساناها خواهد بود آنرا با خاکشتر و گل و لای بپوشاند
این آنگر بالاخره همراهمی جبهه جنبش صیون پرستانه و آزادی -
خواهان مردم ایران نخله خواهد کشید و با آن بجای ارتش
کوتی پاهای ارتش طی و دیگران که استغنا خواهد شد
شد.

سپه نایب‌نمودی جامعه ایران که در نهایت از چهارچوب
طیقات زمینی بسوی آند و وسیعترین هم‌راهی توسط جامعه
ترگرفته است، بالاخره به آخرین سنگر رژیم استبدادی شاه
یعنی کادر فرماندهی ارتش نیز راه یافته است.
اخبار رسیده حساسی است که در چند هفته پیش
بگروه‌ها در راه برای دیگر فرماندهی ارتش در راه و
بشهرهای ۱۰ نفر از فرماندهان عالی رتبه‌های ارتش در
شهرستانها بازداشت و عدین سویدا به زندان دربان در
تهران انتقال داده شد. این افراد ششم هستند که
اندیشه لزوم تغییراتی را در وضع کنونی کشور در میان خود مطرح
ساخته بودند. از اخبار رسیده اینطور برمیآید که در پیوند با
این جریان در نظر از افسران بالاتر تاکنون اقدام شده است.
واقعیت این بود که هرچه باشد اهمیت فراوان آن از این
جست است که طیف وسیع کوششهای رژیم در ارتش
گستر برهان شاه و کارگزاران سیستم آمریکا طیفی است که
افسار برای رسیدن به خانات بالایی خود بار دستگیر
می‌شوند و از درها فرمال و صافی «مختی» میگذرد و در دربار
نظامی آمریکا با هیچ عهد و مکرراتی و عهد طی «آید به می‌نهند»
طیفی است که رژیم می‌کوشد با دادن اشتیاقات فراوان ارتش را از
خلق جدا سازد. و در این راه بهیچ دست در پی و غارتگری بی‌بند
ببار افسران بالایی ارتش را بازنگاشته است. در این سایه‌ها
اصلی میزبانه نشانی نیز تریک پیدا شده است.
تاریخ ارتشها در بسیاری از کشورهای جهان از آنجمله در
کشورهای استبداد است که طیف وسیع این لایه‌های ارتش
هواره در ارتش و حتی در کادر بالایی آن حاضر صیون پرست
پیدا می‌شوند و همین عناصرند که می‌توانند در لحظات حساس

فاجعه زلزله کرمان

زانکه هم‌راهی و کد تباری سرکوب هر جنبش خلقی در
داخل کشور هر زلزله دیگری در منطقه آماده باشد و به عنوان
نیز کوشیه فرمان امیرالیم در هر زلزله آن کادو اشاره کند و در
کارزار خود در حالی که با پول هر یک از راهبانی که شاه می‌خرد
می‌توانند در دهگه و آرد و نوسازی کرد.
شاه در قسمت دیگری از این صاحب‌گت امیدوارم روزی برسد
که روستاهای ایران نوسازی شود. این کلام شاهانه هم نیاز به
تفسیر ندارد. امروز تن هم می‌داند که چنین روزی سرانجام خواهد
رسید اما در آن روز مردم حاکم بر سرنوشت خویش خواهند بود.
نه شتی زحاکه، فاجعه، فقرخانه در بی وطن. در چنان
دوستان است که اگر زلزله باشد شتی بیشتر از آنچه کرمان را لرزاند
ایران را لرزاند احتمال وسزای خسارات بسیار بسیار است که خواهد
بود و دیگر همه کینه مدتی خشت و گلی بر سر حاکمان روستا
هاوسران نخواهد شد چرا که دیگر حتی کینه دای وجود نخواهد
داشت. شدت این که کرمان را لرزاند فقط ۱/۴ اینتر
بود در حالی که چند هفته قبل از آن زلزله ای داشت ۵/۷
اینتر فراقتان شهری را لرزاند و کمترین خسارتی به بازماند
حقیقتاً است که چنان روزی که شاه چده می‌دهد سرانجام
فرا خواهد رسید و خلق ها مستندیده و سرورم ایران برآنگه
سلطه دوزخی خسارت و ستگران و زادهای استبدادی را بر
انداختند. باسوی شکر خویش به حال سازندگی دست
خواهند زد که نسبتاً در مردم اجتنافی بلکه در برابر سرورهای
کور طبیعت سرآید خواهد گشت و... روزی که قهر طبیعت
(آن چنان کدر فراقتان امروز صیون پرست) دیگر نخواهد
توانست مردم مستندیده امروز و بهیچند فردی ایران را از زبانه
های خشم خود بگرد.

زلزله باک بار دیگر در قسمتی از ایران کبه های سفرگشت و
گلی را بر سر هزاران روستا و مستکبران کرد و تلفات سنگینی به
بار آورد. طبق آمارهای تهیه گردان های رژیم اعلام کرده اند
۲۱ نفر در جریان زلزله کرمان جان باخته اند و صد هائیس
اصلاح خانه و بار اصل کبه گلی بران شده است. اما شتی
امداد فاجعه گسترده تر از آنی است که نشان شده است. این روش
معطل رژیم است؛ بی اطلاع نگه داشتن مردم از حقایق و کجک
جلوه دادن فاجعه ها.
به دنبال وقوع زلزله شاه ایران برآمده و همسر مزاج فریض
به اصطلاح از منطقه زلزله زده بازدید کرد ندوبه گفته و نوشتند
و در پیرو تلویزیون و روزی نامه های درباری اوامری هم برایش
سازی برانها ها صادر کردند!!
شاه با لباس نظامی که کبینه همشه بران ترستادن مردم آنرا
به تن می‌کند، پیراز به اصطلاح بازدید از برانها ها و گفتگو
با مردم کرده و می‌نماند در مقابل مکرر خویشگراد بسوی
تلویزیون یا بی شتی گفت: ما روستای بزرگ را دیدیم که تمام
خانه هایش بران شده بود تنها ساختمان سالم دهگه به
مدرسه اینفلور است که امروز با مصالح ساختمانی جدید به مثل
آخر ساخته شده بود!!
هیچ نسیرو بر این امری شاهانه لازم نیست. بر سر مردم
ستندیده این روستا شتی خشت و گل فریخته بود و در تمام
دهگه فقط به ساختمان امروز بود راست. این روستا و
عده ها هزارها روستای دیگر مانند آن در کشوری قرار دارند
که ثروت سرشگران به ناباب ورود و شاه نخت آن راه حل
خود برای طبیعت استندیده ترین سرمایه داران. روستایی
نابنده آن بهیچ آگاهی کارتی و کینه و پل‌آل را نیز صرف خرید

درسهای گرانبهای

اعتصاب کارگران بنز خاور

در جریان اعتصاب ۲۰ کارگر کارخانه بنز خاور که مابقی در شدت اعتصاب کارگران بنز خاور در تهران و سایر نقاط و سایر واحدهای تولیدی و خدماتی ایران و نواحی زینتستان نیز به اشتغال و دیگر کارکنان درگیر در این امر است.

در حال حاضری کارگران که با نقیض سبب کارخانه روبرو شده و در محاسبات حق سکن حای پیروای داشتند. کارگران با تکیه بر سطح نازل دستمزدهای خود و کثرتی سرعام آوردن و ریزش سکن با ما ره سبا که مستلزم در آمد ناچیز آنها را می باشد. پرداخت پستی به عنوان حق سکن را از کارفرمایان خواسته بودند. مسئولان کارخانه نیز از پرداخت این خواسته خودداری کردند. کارگران با تکیه بر سطح نازل دستمزدهای خود و کثرتی سرعام آوردن و ریزش سکن با ما ره سبا که مستلزم در آمد ناچیز آنها را می باشد. پرداخت پستی به عنوان حق سکن را از کارفرمایان خواسته بودند. مسئولان کارخانه نیز از پرداخت این خواسته خودداری کردند. کارگران با تکیه بر سطح نازل دستمزدهای خود و کثرتی سرعام آوردن و ریزش سکن با ما ره سبا که مستلزم در آمد ناچیز آنها را می باشد. پرداخت پستی به عنوان حق سکن را از کارفرمایان خواسته بودند. مسئولان کارخانه نیز از پرداخت این خواسته خودداری کردند.

اگر امروز در برابر آنها بختیتم و چیزی به پیشان بدهیم فردا چیزی دیگری خواهند خواست. نادیده نماند باید آنها را سرعایتان نشانند.

و برای ادا شدن سئوالات بنز خاور به بنز خاور مستوفی و بنز خاور که نمای خوروی زبان کارخانه را در دست اعتصاب تلقین خواهد کرد. حسیه گوی شترک و کارفرمای بزرگ که بسا تا مدت کامل سراز همراه بود. بهشت سخت تر شدن موضع مسئولان بنز خاور در برابر کارگران معتزتر شد و به ناخن زدن های شام به فغانین، ماندن اشک زخمی از آنان و اشراق دست جمعی کارگران انعام. پلیس و سرمایه داران جبارانگر بر آن بودند. شایه غریب شدنی به زینتستان نهم و انعام و ساز و موی ایران نشانی دادند. کارخانه بنز خاور بر اثر این تواتر رف بلا نه اسلام داشت که آماده است در باره از کارگران نام نویسی کند. اما در استخدام محدود آنان ساخته از بزایای قانونی آنان شایه سر راه داشتند. سازمان قدر داشتند توده کارگران که در دست ستم شایه در کارخانه طاعتی و اشتغال در کارخانه و اشتغال در کارخانه از موی کارخانه از کارگران انعام پس از چند روز مامور مستوفی گریختی جوارده خود در برابر کارگران در محاسبات کارخانه داره عقب نشینی سوزانند. اما در این

اموال راضی دیگری روی داده که این شکست برخی را با اعزیزه و نمره حیر کارگران حق حواء و سینه و راهبانوی بر روی نهجه بخش در آمیخت. کارگران ایران ناسیونال اعلام کردند که اگر برادران طبقاتی آنها در کارخانه بنز خاور به جازه ادامه دهند و بی توانمندی کله مادی و معنوی آنها حساب نگنند. کارگران جهان روی و جیت تیران نیز به تدریج به این شکست تاهاسر یاد داشتند. اعتصابات مشابه و تظاهرات اعتراضی به باری و رفقای همپنجه کارگران خود در بنز خاور بودند. اندام ایران و شاه سی کارفرمایان و سرمایه داران تحت امداد حکمت سرتیبه و لغتضای شاه به کارگران آمیخت که تنها امید رستگاری و بقیقت و قدرت آنها در امتداد آنهاست. در حالی که سرمایه داران برای نفع مشترک طبقاتی و علت بیشتر از دسترنج زینتستان در پی حسیه شده معنی گشته براندگی حریف برادران ایران و این ارزش توانا و راهگشا راه گرانبهای برانگشته و ضمیمه تر شد. بی سازه که در برابر نیروی متحد دشمن تاب مقاومت چندان ند لرد. اعتصاب وسیع کارگران ریزنده بنز خاور به خاطر فقدان رشته های درونی پیونده و اتحاد آنها و پیشروی های لازم برای لحظاتی و روزهای بحرانی جازه پس از اعتصاب و نداشتن سبک حداقل پشتوانه مالی و کسود کلر توجیهی لازم بین کارگران اعتصاب به شکست کشید. این کالی نوبه که کارگران ایران ناسیونال تنها به ادا رسیده و غیل کله مادی و معنوی پیونده گشته. بهترین باری آنها بر برادر حسیه شده کارفرمایان دست زدن به اعتصاب بکار حسیه پیوسته به عنوان پشتیبانی و در برابر برادران طبقاتی خود در کارخانه بنز خاور و انشای کویع کارفرمایان و توضیح خواست های حق کارگران اعتصابی در میان کارخانه ها دیگر محافل رسانجی امتناعی بود. اما بی بردن محرومیت اتحاد و همکاری فعال ملی خود به پیروی بود که نباید آن را گویچه انکاست. کارگران بنز خاور در باره جازه معنی موقایه بقیقت دلخواه نرسیده اند. اما نقاط ضعف و نیروی واقعی خود را در این مبارزه کشف کرده اند. آنها را برای تقاضای افزایش دستمزدهای خود با جوار و کیش روبرو شده و به ضرورت داشتن سازمانی از خود وهم زخمی خود در برابر سازمان کارخانه سرمایه داران و حکومت آنها بر بردند. یکی از کارگران پس از پایان اعتصاب گفته بود:

"اگر یک صد روز محلی در ستم که تا حدی در روزهای بیگاری از نظر مالی بر ما مانع می گرد. تا خود را در کسرت پشت کارفرمای و شجاع به مبارزه ادامه می دهیم."
در این اشعار نیز سرشتی و تجربه برپسای نیفته است.

جنبش ها و مسائل کارگری

این جای است که به تجربه درمیان شده و کارگران ایران با پیروی آن تامل ریزنده کنند. و مودیکه عند تق پنهانی که با وجود خود کارگران به وجود آید. نه تنها دلگرمی و ناس که حسیه سازها را و امری قابل اتکا برای کارگران هراسمند است و کارگاه کارخانه است. شایسته نطفه ضعف و ابلهگی نام در راه درمان نیست.

اخراج ۲۰ کارگر کارخانه ایرناک

طی دریاة امری پس از ۲۰ نفر از کارگران کارخانه ایرناک (واقع در تبریز) به بهانه های واهی اخراج شده اند. کارخانه ایرناک از پرداخت مزایای قانونی و حق کارگران انعامی به انعامی مختلف سرمایه زده، گروهی را مانع ناچیز و بسیاری را بی هیچ حقوقی از کار برانده است. در برابر اعتراض کارگران که علت این تصمیم بگمانه و خصومت آمیز ریزنده مانده و اولیای کارخانه گفته اند: " دولت بهما تعهد سپرد هر دو که نمیشد از تولیدات کارخانه ایرناک را رها کردی که از آنجا که دولت به تعهد خود عمل نکرده و ما هم در مقابلش هیچ تعهدی نداریم کارخانه ایرناک با ۱۰۰ میلیون تومان سرمایه دارانه توسط سرمایه داران ایرانی و انگلیسی و آلمان غیر در تبریز در امری شده و سازنده قطعات پیش ساخته ساختمانی است.

کارگران انعامی خواستار پرداخت مزایای معوقی خود هستند. کارگران فعلی کارخانه نیز که از سر نوشت رفقای خود دچار شکتی شده اند. تا من بیشتر برای ادامه کار حسیه می خواهند. در برابر اقدام خود سرتان کارفرمایان، روزی فرزند از سرمایه و سرمایه دار و کثرتن شکلی معنی به نفع کارگران بود ظلم فرار گرفته نشان داده و با سبک ترحم خود امانت بیک حاسه و قصد کارگری مسئولان کارخانه ایرناک را که می خواهند با اخراج کارگران قدیمی و کارگران جدیدی و با حقوق و مزایای کمتر استخدام کنند و تأیید کرده است.

دو نوع تظاهرات هنگام ورود کارت به تهران

بود اشتراکی به آن محافل امریکایی که خشونت و شدت و دیکتاتور شاه و امرای صانع دراز مدت امپریالیسم و ارتجاع خرفناکی داشتند در باره تصمیمی تصمیمی بودن و دستوری بودن این تظاهرات مادامی که امریکایی بی دردم که یکی از خبرنگاران نموده به طرحش آن را تسبیح کرده است.
سه روز پیش از ورود کارت به تهران و محدود محافل و معانی سازمان داد و ستزیمین ایران و عدد ثابت کمیته انتر کسپور (سازمان) در یک حفظ حسیه گفته بود:
" ریزش جمهوری امریکایی تهران با همان مظهری و رویی می شود که شاهانه درواشتن با آن پیوسته شده است."
آیا همین اظهار نظر گناه و وضع برای نشان دادن این آن تظاهراتی که سرازه به راه انداخته بود، کالی نیست ؟

که از سر نوشت آنها اطلاعی در دست نیست.
امانوح دیگر تظاهراتی متعلق به سرازه و حمله واژه ایرناک که عددا در برابر سفارت امریکا و سازمان گفت و صنعت ایران و امریکا روی داد و حسیه های صفحه و روحانی آفرید. ایمن تظاهرات دستوری که از فرط تعصب به ابتدای کار کابل کشیده بود و دو شمار بیشتر نداشت. " برگ بر امریکایی ها " کارت به معنای برگرد. " برادری بی بی سی (لندن) در گفتار ملی خود به جنبه تصمیمی این تظاهراتی اشاره طنز آمیز کرده است.
بی بی سی که خود به بلندگو تبلیغ امپریالیسم است، گفته است: " شاهد ظهور ارتش حسیه ها آن بود که تظاهرات شده در امراس درواشتن هنگام ورود شاه جواب داد مفید و سرازه شاه از خود در در مظان امریکایی در پیشگویی و سرگردن این تظاهرات نشان داده شود."
اما شک در این جنبه تسامز سرازه و حسیه های دیگری هم

در روز ورود کارت به ایران و دو نوع تظاهرات گفنا حمایت در نقاط مختلف تهران. روی داده در نوبت از این تظاهرات مردم به سه زینتستان و دانشوران در خیابانهای شاهیه و حافظ و طالب دانشگاه به سرعت امتیاطات کویچه شکر شکل دادند و با شعارهای " برگ بر امریکایی ها " " اشتغال در سراسر ایران " " زندانیان سیاسی را آزاد کنید " " انتر کسپور می دهد دفاع از حقوق بشر " البته به سبک امریکایی آن استقبال کردند. در این شمارهای اشکار بی محتوای جاری معسالی های پرگفته کار سفید نشینان با یکی در باره دفاع از حقوق بشر و آزادی های شهروندی جهان در مبارزه با روابط استعماری و مامیت حکومت و زخمه شاه به وضوح گمانه و بر ملا شده بود. این تظاهرات گمانه به حرم فریاد کردن حقیقت آزادی توسط پلیس خود پرورش حسیه و در دشمنان فرار گرفته. در حسیه به شدت خسرویی و جویع گریه می بینیم. تا ۱۰ نفر بازداشت شدند

سر حجت هکتی به وجود آمد و صد ها کارگزاران خود را برای چند روز فرا دست دادند و مجبور شدند در اتاق های که نسبتاً به امید گه می گذرانند بمانند. در باره این اتاقی ها هم به بدینست به امید گه معمولاً اتاق های چوبی و کوچک هستند و در داخل آنها هر شب ۱۲ نفر می خوابند. کمتر کارگری تنها با هم برای خواب به نوبت در زیر آن درختان آنها در روستاها گریه کنند و به هم دست میزنند خانه و حیواناتی در شهر ندارند و امکان امرار کردن اتاق را هم ندارند. بنابراین در تمام مدت شب و روز مجبورند در محیط کار بمانند.

تغذیه ای ما تاکنون برای تشکیل خنده ۲۴ به نهم رسیده است و به هم دلیل نامناسبی از کارگران با یکدیگر است و نانه ها و کله ها و فستق های پر از باد سیب و پودر روغن کارگران را به وجود نیاورده است. بعد از بارها اعتراض مردم به کمی دستمزد اخیراً ۱۵۰۰ م کرده اند که طبق قانون وزارت کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۱ در حال افزایش است.

در به این حمله چشم می زود و قطره های آب پرا در نظر مجسم می کشد. قلب کارگران به هضم پلاستیکی دارند که آن را صبح هر می کشند اما صبحی زود نام می نهند و با آن هر گرمی که نمی توان خورد.

وقتی برای کار استخدام شدیم و البته بدی هیچ توانی و چشم به حمله میرویم، غذای لب نماند. آن روز بنگه های آب افتاد و بعدها واقعیت این جمله را با تمام وجودم درک کردم.

برای نجات زن و فرزندم از گرسنگی و مرگ کشاورزی را کار کردم و باربری ۳۰ تومان در نوبتگاه بری انی که توسط آلمانی ها برپا می شود شروع به کار کردم. البته فکر می کردم که به دلیل نازه کاری هم پول کمی می گیرم اما به سرعت فهمیدم که اکثر متره ریزانه در این نوبتگاه برای کارگران ایرانی که تمدد آنها بین ۱۲۰۰ تا ۱۰۰۰ نفرگرم و زبانی می شود ۱۰۰ تومان است و اهمیت کارگران حق همان بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ تومان است.

آن طوری که فهمیده ام از ۲۰۰۰ تومان در این نوبتگاه کارگر ۱۰۰۰

من را دید که در روضه خود پیغمبر ام و در آنم که بر حمله می هم حمله می نمود. او در روضه های که به راه انداخته اند و وطن من یک سرزمین اشغال شده است که زحمتکاران آن کمترین حق و حقوقی ندارند. من این واقعیت را برای جریان کار و زندگی شفت با مردم و هر روز توهین می کنم. هر روز صد ها در تمام روستا زبان های مختلفی که فقط بعضی از کلمات آلمانی آن را چون بارها تکرار شده است می فهمم تحمل می کنم و هرگز از غفتم رنج نمی برم. می خواهم بترسم. به یاد چشم های منتظر و شکم های گرسنه زن و فرزندم لب از لب بازمی کشم.

ایرانی ام و طبیعت ام عرب است و حالا یک سال زمین است در کنار هزاران ایرانی دیگر که طبع اکثرشان عرب است در طرح نیورگه بری نمی پوشید کار می کنم. شاید به نوبت می گفتم نهم آفتاب سوزان و رنگارنگ در شتاب نحیف می کشم. کشاور بودم اما حالا کارگر و در واقع اکثر کسانی که در این نوبتگاه کارگر می کنند زمانی کشاور بوده اند.

نامه یک کارگر از نیروگاه برق اتمی بوشهر

ماتو دانستیم هم میروید و خواهند بتوانیم به حق می اضافه کنند در حالی که می دانیم در زمان این زمانه بی گناه و بی گناهان شکر نمی فرزند ما را نماند. سر می کشم هرگز نتوانیم از دست خور یک روز بی از من هستند آنکه نیورگه را همین زمانه نماند گم.

هرگز وقت آمد زبانی کارگران با یکدیگر در محیط نیورگه سخت زیر نظر قرار می گیریم. بارها به این شرایط اعتراض کرده ایم ولی هیچ بهانه آورد ما ندانیم که شادمانی محیط نماند برای ما و برای من سوری و این نماند که آن در در باره این شسته نماند که نماند که ما را بیشتر کارگران می ترسند در آینده با وارد شدن ما می شود به محیط کارگزاران و معیارهای هم می بینند. بد نیست است از کثرت هزینه زندگی طرح بود اما این کثرت نماند در اختیار چند نفر کارگزاران که در حالت سر کارگر و عامل کارفرما در از دست گرفته شده و در کارگزاران خود بودند.

کلاه استی و کفتر لباس کار کرده به یک ماکارو که می بیند: هر محیط دیگر خود نیاز است، اما فقط تمدد آن می کشد که این برای من جیبی از کارگران تریج شده است به با سوری می بینند و امید ما را شکر می کنند و محلی کار می کنند. تمدد این کارگزاران که در این زمانه برای کثرت این حقوقی باقی مانده است به ستون ایرانی مراجعه کرده اند به عنوان اخلاقی نمی نفسی اعتراض شده اند. ما اعتراض این کارگران را بیشتر نمی شناسیم که می شود در هر روز بیشتر از روز قبل کارگران احساس می کنند به با بدینکای خود را اشتغال دهند.

خلاصه کنم. زندگی ما برای ما و هزاران کارگزاران مثال من تفاوت چندانی با دیگران ندارم. ما را همه حقوق اساسی خود میرویم. گویا ما شکر معلومند. ام که باید میرویم می بداند از و شکر و توانمان را تحمل نمی کنیم. روسی این را می بیند. اینکه تاریخ ما کارگزاران شده نشود به پاره دست او در محرقان ما می کشد و کینه همگان از این بهتر نخواهد شد.

نگین و مهندس میروید و در از هر که بین همه آنها وضع کارگران ایرانی که مشکل ترین کارها را به می دهد دارند و اما اسف انگیز تر است.

در حال کارگران ایرانی هستند کارگزارانی که با سواد کار ساختنی ۱۰ تا ۱۵ ساله حدود ۳۲ تومان در روز میروند و کینه و حاکمیت کثرت اعتراضی را در فرزند زبانی محیطی اعتراض می کنند و به حاکمیت از هزاران کشته و زبانی یکدیگر که پشت درهای بسته بینه نیورگه و در شهر و ساحل انتظار کار می کنند استفاده می شود.

نیورگه در ۱۲ کیلو تیره. بیشتر در کار می ساخته می شود و ناتمام است و هنوز به مرحله بهره برداری نرسیده است. به همین دلیل ما در محیط روز با زبانی آهن و فولاد و دستگاه های جو شکاری کثرت می کشیم. در اکثر ساعات از رات تا شب خود شسته آهن و فولاد می کشیم که با آن کار می کنیم آن قدر داغ و سوزنده است که فقط با کینه های دشمن که محموله شلوار و پیراهن خود مان است می توانیم به آن ها دست بزنیم و در شان کارگریم.

از مزرعه ام گفت اما با بدینکای که هر روز ۲۰۰۰ تومان به عنوان صبحانه ۳۰۰۰ تومان ناهار و ۳۰۰۰ تومان چای شام از این مزد کم می شود. صبحانه نان و پنیر است و در زمانه ای که برای ناهار و شام تنظیم کرده اند فقط یک کوزه میجو دارد. هفتی ای چند بار باها می باشی کسی درنده محلولی است از اینها روز شام روز قبل. اگر غذای به دلیل کیفیت بد صفر می شود و ساند و آب سرد و نماند و روز به می کشند و خلاصه آن قدر آبی می آورند و می برند تا همه میوشوند آن را بخورند. چند هفته قبل چنین برنامه ای چند بار تکرار شد و غذای مانده را آن قدر دور ریختند و به خود کارگران دادند تا نماند

هر روز با طبع خوشبخت از خواب بیدار می شوم و در حال می که هنوز یک چشمان خواب است و چشم دیگر بعد از آن و بیشتر را حسیه و تنجیده می بلغم می باشد تا شب در محیط کار حاضر می شوم آخر در این واقعیت روز تحمل کثرت و زبانی در بیشتر آلمان شتر است. اما این شب فقط برای مدتی بیشتر است زیرا به سرعت خود می خورم و در آسمان بالا می کشد و ما میرویم زیر تابش می آمان آن کار را در محیط وسیع و ریزان نیورگه ادامه می دهیم در تمام مدت کارگزاران میروند سینه آلمانی که به نسبت از داخل ساختمان های مسجز به کار برای کثرت نیم ساعت خارج می شوند و به سراف ما می آید با تحریف و نماند و در و نماند بار از این است تند کارگزار می کشند و اگر نتیجه بطول بماند را میگویند از سلاح "اخراج" استفاده می کنند.

آنها هرگز ما را نمی کشند و دست دارند و توسط آن حضور و غیاب میروند تا در زیر آفتاب سوزان کثرت کرده به یکدیگر گزارش می دهند. اغلب بعد از این مرکزی ها به یک مخصوصی که بر این زمانه می کشند و در وقت بعد از خوردن چند لیوان آب میروند سخت در حالی که ماد گویان و خارج می کشند بار دیگر به سراف ما می آید و در دست محلولی است که زبانی آفتاب از تنفس می کشیم و آرزوی یک شتره آب داریم. این آرزوی ما نماند ما باید در سینه درن کشیم چون آن ها اجازه نمی دهند برای آب خوردن به شک های آب نزدیک شیم. این شکر می کشیم و این آرزوی یک حمله خلاص می شود و روزی همه بنگه های آب به فارس میرویم و به خط کارگران نوشته شده است "غذای لب نماند". همه از

نقل و انتقال در زندانها

روزم به نامگن و تراستانی را در زندانهای سیاسی آساز کرده است. هفت گذشته شکرالله پاک زندان (انزلیوان گره) فلسطین (نسیم خاکسار) و پیسنده (مروم) را به زندان انوار برده اند. زندان جدید اهواز که سال گذشته افتتاح شد و قطعه بزرگی از سیمان و آهن است که در بنامان تخته پرسی در کیشیرو اهواز قرار دارد. در روزهای این قطعه چنان بلند است که از درون آن حتی لوله های بلند گاز کشیده کشان می سوزد و شعله های آن از جبهه نیلوسری دیده می شود.

نی توان دید. دره هفت های اتمو کوهی از زندان اهل و اهواز به اسفهان و کوهی را از ارمینان به شهید شکر کرده اند. در اسفهان همینان ادامه دارد. رویه این ترتیب می کشند از اسفهان لورستان زندانهای قدیم و جدید میروند اما در زندان گسار خلق و مبارزان آزاد چها می کشند و زندان گسار در میسبان آریا میروند اسری می شوند و استفاده گند.

تعمیر ۱۲ روحانی آزاد سیخاه

همان شوکر در شماره گذشته "تعمیر" خود ادبم ۲۲ زن از روحانیین آزاد سیخاه را که علی رقم تلاش ها و بذبحان و رسم آریا میروند در سو استفاده از مذبح برای فریب و تحقیر توده وسیع مردم و حذب پایه های لوزان خود به به مبارزه انداخته اند و سعی شته شکر می ها و خنات های در دست حاکم بر کثرت ما را داشته از ساحه و محتاج مدعی پانته. لغز خوسو دریا بنفند کرده بودند. به شهرهای دور افتاده و رشتگان و فرمانشور و زان تعمیر کرده است. آلمانی شیح عبدالرحمن میسبانی سوزان و محمد صادق خلغالی و محمد جواد حسینی کرمانس و مهدی ریانی اشتر و مهد علی حاشه او در ترحم علی تهرانی از حبه تعمیر شدگان هستند.

ما رفکار خشن و بی شرمانه رژیم را نسبت به این روحانیین آزاد حکوم می کشیم و حرمانه سوزان را زبانی آنان از تعمیرگاه آزادی کامل فعالیت ما میروند خواهد شد می هستیم!

حقان ضد مذهبی در نجف آباد اسفهان

از حدود یک سال پیش که برخی جریانها نسبتاً شرقی مذهبی در حقه اسفهان به ویژه در شهر نجف آباد روستاهای اطراف آن آشکارا مردم سخته و به ویژه در نجف آباد به ظهور و باطن و حقیقت به آواز استان با تهران برای سحرمانی در ساحت و حقیقت به دعوت می کردند. تا این که در دوره به ماه پیش یکی از این حقیقت در حال که از تهران به نجف آباد وارد شده بود. اجازه نماند که در ساحت این شهر سه سیر بود. این وضع اعتراض شدید مردم را برانگیخت و بیرون مذکر با با اوضاع انتظامی به حالی نرسید و دست ساواک مظهر این ماجرا برده شد. جمع کثیری از جوانان به عنوان اعتراض علیه سیاست های مدعی رژیم در بنامان اینها اعتراض میروند و سیر می کردند. در سخته هجوم میروند و کثرت با تداوم کثرت گان عدای حرم شد. به دنبال این مسازا کثرت ها وارد اداری از اسازا با اسازا فرستاده شد و بیشتر نجف آباد یکبار به استازا.

کثرت های مسازا با اسازا پلیس ساواک در آه با به تمسیر مردم پیوسته حکومت ای میروند. سخته بزرگی نجف آباد هم عملاً سخته شد و اینها اعتراض به حلی مذهبی و سخنرانی در آن جلوه میروند و میروند. مردم که سخته میروند و محدودیت ساواک زده را تحمل ندارند به عنوان اعتراض به این اقدامات خشن میروند و در میروند. مردم در حقیقت میروند و به یاد روفا نماز می خوانند. آدرس خواجگانی است که ساواک در بر میروند این نمایش اعتراضی مردم در دست اقدامات خود مردمی استازا می است.

در راه دمکراسی و حقوق بشر...

چندی پیش ۳ تن از نویسندگان سرشناس آزادیخواه ملی نامه سرگشا دهی به دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن اعلام تاسیس "کمیته ایرانی دفاع از دمکراسی و حقوق بشر" موارد نقض حقوق بشر در ایران را توسط رژیم استبدادی شاه چندی برشمرده اند:

- ۱- طلب آزادی عقیده و بیان و آزادی اجتنافیات و انتقادات به سبب عدم تحمل ملاحظه و نظریات مخالفه.
- ۲- ترفیع غیرقانونی و خودسرانه هزاران نفر از زنجیر ویر و حوزان حتی جوانان سحر و به طور کلی ترفیع افراد مخالف استبداد و متصرفیه انتقادی سیاسی.
- ۳- مبادرت به انواع تشکیه های جنسی و روحی جنسی به مرگ یا نقض حقوق و نظایر آن های درامی علی رقم مبلغ صریح یا پنهانی ۱۳۰۰ قانون میزاجات ایران کمبازار است تا شتر حمال زندان برای هر یک شکجه تعیین کرده است.
- ۴- محاکمه متهمین سیاسی (مخالفین روش سیاست هیت کلاکه) در محاکم نظامی توسط افسرانی به نام قاضی که زیر نظر و سلطه مستقیم شاه قرار دارند .
- ۵- مبادرت در محیط غیرملی انگه از فشار و انتقادی انجام می شود . موضوع اتهام در اغلب موارد داشتن یا خواندن پلمها چند کتاب اتمتالی سیاسی و مذهبی است . اظهار نظر عقیده در مورد اعمال و افکار و روش استبدادی پادشاه است.

۵- محکومیت متهمین سیاسی در دادگاههای مذکور به اندام پامیس های طویل البدن به استناد اقرارناشی از زجر و شکنجه در مراحل تحقیق با بعلت تکلیف افسر با حتی به سبب خودداری از اقرارناشی حق و اظهارند آمد .

۶- خودداری مقام سلطنت از قبول تقاضای فرجام محکومین سیاسی (مخالفان در کشور یا برخلاف تمام موازین حقوقی و انسانی به موجب قانون ارتجاعی ناشی از رژیم استبدادی) قوت تقاضای فرجام محکومین از اعدام .

۷- دادگاه های نظامی به موافقت مقام سلطنت معول شده است این خود ارضی دلیل نقض اساسی ترین حق قضای و قضایی هراسان است .

۸- گشتار و برجمان عده ای از جوانان تحصیل کرده در خانه ها - در دانشگاهها - خیابانها - و گروهها به دست مأمورین آشکار و پنهان پامیس بدین آن که اتهامات انتحالی به آنان صحت داشته باشد .

۹- محسوس داشتن مخالفان بدون تعیین تکلیف آنان .

۱۰- خودداری از آزاد کردن عده ای از زندانیانی که مدت محکومیت آنان ختمی شده است .

۱۱- محروم ساختن زندانیان از ایلانات حتی ملاقات با اقوام نزدیک و دربره اول .

۱۲- محسوس و تشدید کلمات و کلمات و انتشارات و طبعیات و نشر آنها به چند روزنامه دولتی یا وابسته به دولت که تحت نظر مأمورین حقی منتشر می شود .

۱۳- تعطیل بسیاری از مراکز علمی تمام پامیس و زجر و تبعید مراجع طلبه و شخصیت های مذهبی .

۱۴- استقرار نظامی حزی شخصیت و نشر اجزای و جمعیت ها و اختیارات سیاسی و معزیز و احدی ستاورد که به فرمان مقام سلطنت تاسیس یافته است .

۱۵- طلب امکان مشارکت واقعی مردم در انتخابات مجلس و انجمن های پالیسی و ولایتی - و مشروط ساختن (انتخاب شدن) به عضویت در حزب واحد و رساندن به آرزوی برای گاندید اهای پارلمنتاریت با توجه به نیت بدی و ارباب و شایعات اضطراب انگیز و بالنتیجه سلب صفت نمایندگی مردم از ره گرفته .

۱۶- نظرمصریح اصل تکلیف فرمانتاریت قوی بخشه .

تضافه به اجرائه و تریکز عملی اختیارات هرسه قوه در مطلقیت .

کمیته دفاع از حقوق بشر سازمان و پیشبرد آن " که مشرف در تاریخ (فرشته) است نیز طی اطلاعی از هدف های خود را در دفاع از حقوق و آزادی های مردم ایران چنین تشریح کرده است:

۱- دفاع از حقوق مردم در تعیین سرحدات کشوری و راهباجام حکومت مردم بر مردم و با انتخاب مرامی که بسوی ادراک مصلحت درنگه صلاح آن صالح می دانند ، از طریق انتخابات آزاد و عمومی برابر مصلحت و مساوی .

۲- دفاع از کفایت حقوق مردم ایران در امور استقلالی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و دفاع از حقوق مردم ایران در بهره برداری کامل از ثروت های طبیعی و انسانی کشور در راه بهبود زندگی خویش و مبارزه با هر نوع سیاست استعماری در راه به تعارض این حقوق .

۳- دفاع از حقوق و آزادی های مردم سایر کشورهای جهان که مورد تجاوز رژیم سرکوب ایران قرار گرفته .

۴- دفاع از کفایت حقوق و آزادی های مردم و اجتماعی مردم ایران در زمینه اندیشه ، دین و عوام با آزادی بیان آزادی ، علم ، مطبوعات ، تظاهرات ، تشکیل احزاب و جمعیت ها و مبارزه با هرگونه استعمار و حقوق آزادی ها و هر نوع تجاوز به شخصیت انسانی آدمی از آنجا که استعمار و فاجی و شکنجه و تبعید و طلع تابعیت و امثال آن .

۵- دفاع از حق کلیه افراد کشور در داشتن کابیر در بهره برداری از ثمره فعالیت خود در دفاع از آزادی و هواد حمایت اجتماعی لازم برای ناس این حق مانند تشکیل سندیکاهای آزاد ، توسعه فعالیت و داشتن همه های اجتماعی عمومی و امثال آن برای کلیه شهروندان کشور .

۶- دفاع از حقوق فردی و اجتماعی کلیه مردم ایران در مبارزه با رژیم سرکوب و اختیارات و دفاع از آزادی انسان سیاسی صرف نظر از طبقه و رنگ و صیغه ملیت و زبان .

۷- دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی کلیه ایرانیان بقم خارج کشور در برابر هر نوع تجاوز و تبعیض .

کمیته مذکور برای نیل به این هدف ها تا پیروهای مخالف رژیم را به اتحاد و همکاری دعوت کرده است .

گمراط و امکانات جدید در بردار خلیج کشور ایجاد می کند که دامنه فعالیت های گذشته در زمینه " دفاع از آزادی انسان سیاسی " به دفاع از حقوق بسوسی و دمکراتیک کسانی که در زندان بزرگ تری به نام ایران به سر می برند ، ارتقا یابد . بدین منظور ، هر فردی است که کلیه عناصر و کشته ها را با سازمانهای ایرانی ، با حفظ شخصیت مستقل ویرا پوشه خاص مبارزین مردم ، در پیشبرد و دفاع از حقوق فردی و آزادی های دمکراتیک مردم ایران پیش از پیش تشریح سیاسی و جنگ کند تا با هم آهنگی نیروها و احاطه حاصل بهتر بتواند از خرابی تفرق و در باره کلی اخترازیست بیشتر بتواند افکار و اراده آزادی خواهان و زمینکنان ایران و جهان را به نفع استقلال و هوای مردم ایران بسج کرد .

حزب توده ایران که از بدتها به پیشروای اولین بار شعار اتحاد همه نیروهای مخالف رژیم استبدادی شاه را در یک جبهه واحد ضد دمکراتوری به منظور سرنگ کردن رژیم مطلق سلطنتی کشی و به عنوان شعار تاکتیکی خود بر طبله میزد همه آزادی خواهان بهتر شنیده و از گرایش به واقع بینی سیاسی و درک ضرورت اتحاد در صفوف مبارزان خود بر طبله میزد و به دعوت اتحاد موافقت کرده است .

کمیته دفاع از حقوق بشر سازمان و پیشبرد آن " که در تاریخ (فرشته) است نیز طی اطلاعی از هدف های خود را در دفاع از حقوق و آزادی های مردم ایران چنین تشریح کرده است:

۱- دفاع از حقوق مردم در تعیین سرحدات کشوری و راهباجام حکومت مردم بر مردم و با انتخاب مرامی که بسوی ادراک مصلحت درنگه صلاح آن صالح می دانند ، از طریق انتخابات آزاد و عمومی برابر مصلحت و مساوی .

۲- دفاع از کفایت حقوق مردم ایران در امور استقلالی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی و دفاع از حقوق مردم ایران در بهره برداری کامل از ثروت های طبیعی و انسانی کشور در راه بهبود زندگی خویش و مبارزه با هر نوع سیاست استعماری در راه به تعارض این حقوق .

۳- دفاع از حقوق و آزادی های مردم سایر کشورهای جهان که مورد تجاوز رژیم سرکوب ایران قرار گرفته .

۴- دفاع از کفایت حقوق و آزادی های مردم و اجتماعی مردم ایران در زمینه اندیشه ، دین و عوام با آزادی بیان آزادی ، علم ، مطبوعات ، تظاهرات ، تشکیل احزاب و جمعیت ها و مبارزه با هرگونه استعمار و حقوق آزادی ها و هر نوع تجاوز به شخصیت انسانی آدمی از آنجا که استعمار و فاجی و شکنجه و تبعید و طلع تابعیت و امثال آن .

۵- دفاع از حق کلیه افراد کشور در داشتن کابیر در بهره برداری از ثمره فعالیت خود در دفاع از آزادی و هواد حمایت اجتماعی لازم برای ناس این حق مانند تشکیل سندیکاهای آزاد ، توسعه فعالیت و داشتن همه های اجتماعی عمومی و امثال آن برای کلیه شهروندان کشور .

۶- دفاع از حقوق فردی و اجتماعی کلیه مردم ایران در مبارزه با رژیم سرکوب و اختیارات و دفاع از آزادی انسان سیاسی صرف نظر از طبقه و رنگ و صیغه ملیت و زبان .

۷- دفاع از حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی کلیه ایرانیان بقم خارج کشور در برابر هر نوع تجاوز و تبعیض .

کمیته مذکور برای نیل به این هدف ها تا پیروهای مخالف رژیم را به اتحاد و همکاری دعوت کرده است .

گمراط و امکانات جدید در بردار خلیج کشور ایجاد می کند که دامنه فعالیت های گذشته در زمینه " دفاع از آزادی انسان سیاسی " به دفاع از حقوق بسوسی و دمکراتیک کسانی که در زندان بزرگ تری به نام ایران به سر می برند ، ارتقا یابد . بدین منظور ، هر فردی است که کلیه عناصر و کشته ها را با سازمانهای ایرانی ، با حفظ شخصیت مستقل ویرا پوشه خاص مبارزین مردم ، در پیشبرد و دفاع از حقوق فردی و آزادی های دمکراتیک مردم ایران پیش از پیش تشریح سیاسی و جنگ کند تا با هم آهنگی نیروها و احاطه حاصل بهتر بتواند از خرابی تفرق و در باره کلی اخترازیست بیشتر بتواند افکار و اراده آزادی خواهان و زمینکنان ایران و جهان را به نفع استقلال و هوای مردم ایران بسج کرد .

تشکیل جبهه ضد دمکراتوری شرط لازم برای سرنگونی رژیم شاه است!

قطب "خبر-شاه"

در خشم آبسار

روز عاشورا مردم خرم آباد که سوابق طولانی و پرشور و مبارزات ضد دمکراتوری و آزادیخواهانه دارند ، به شیوه ای بلندآوازه سرانجام حیات تنگن شایرا به نمایش گذاشته .

ما چرا از این فریب بود که نزدیک های ظهور و خورشید عاشورا هنگام مراسم سرکوبی به اوج خود رسیده بود ، حریف دروغهای های اصلی شهر ظاهر شد و توجه مردم را به خود جلب کرد . رویه ها و متن سفید خرم صورت و هیبت شاه جلاد ، ماهرانه نقاشی شده بود . "خبر-شاه" بی توجه به استقبال مردمی که در میان خشم های بی معنی او ایستاد به بگ بگر نشان می دادند . در آن مراسم از میان جمعیت عبوری کرد و نگاه بیزار خود را بر او ایستاد احساسات مردم تکان می داد . تا ما اولین مبارک آبسار آمدند که از ماجرا خبر شنید و با کوری بگفت ، عده زیادی از مردم به دیدار "خبر-شاه" حریفان صولت حریف شده بودند . در میان شاه به "خبر-شاه" حمله کردند اما خرم چو بیچاره فرارگذاشت . تلافی سارگی هاله به دنبال "رهبر خرم" خرمی شدند و در پیوسته و چو بیچاره "خبر-شاه" خنجره حریفی که وجود آورده بود ، سرانجام به دستگیری حریفی شدند اما جبهه تلا ترگزیدند و نتوانستند صورت شاه را از صورت خرم پاک کنند . نظایر بیرون دست با شترندی و بسیار صورت خرابها - شتال سارک شاه ساهمان آراسته بود ! سارگی ها سرانجام به حریف در پیوسته و حریف خود خنجر شدند و خرم بیچاره را جبهه ها کشتند و شتال بی شالی شاه را با پوست خرم از تنش جدا کردند تا در صورتی باشد برای دیگر "خران" که جاده اجرات کنند یا (خشمی بگم) سرگشایی شاه شاهان کند ! ...

مراسم روز عاشورا راه تظاهرات پرشور

علمه رژیم استبدادی شاه تهییل کردند

خبرهای رسیده از تظاهرات پرشور مردم در روز عاشورا علمه رژیم استبدادی شاه حاکم ایران است که سلسله شانان مبارز آزادیخواه و سبب ما و وفادار به سنت های درمیشناس حاسی قیام روز عاشورا ، بانگ اعتراضی خود بر علمه ظلم و ستم مزید زمانه بلند کرده و تظاهرات گسترده و امثالگانه ای را بر سر پا کردند .

در تهران در روز عاشورا دانشمندان مبارز آزادیخواه به میان مردم رفتند و آنها در آمیخته با مردم برای مردم آزادی را هر چه رستار فریاد زدند . در خیابانهای وسیع و بگ بگ شدند که چهارراه سرخسده و در محله مسجد شاه نیز در غم پانتهای و سید به دست های بزرگ تظاهرات کنندگان با شعارهای طبعی و مردمی خود گاه و بجا شاه برای آزادی زندانیان و تبعید شدگان سیاسی به راه افتادند و مردم فوج فوج به تظاهرات گان پیوستند .

امتظاهرات مردم در همه جا با تهاجم و شتمانه پامیس آرمایی و زجر و تبعید . عده ای مخرج و بیج گشتی از مردم دستگیر شدند . در شیراز عده ها جوان دانشمندی دختر و پسر مردم شاه چراغ تظاهرات پرشور و علمه رژیم استبدادی را بگاز کردند . در کرمان و تازند از راه نیز تظاهرات شایه برپا شد که با تهاجم گرازه های رژیم نیاز داشت و مردم پرورده .

در زنجان در مسجد بزرگ شهر بنام "مسجد ملا" پیرا حین اتمل و سنت های شرقی اسلامی در باره عدالت ، مبارزه و آزادی و پیروزی حقی بر باطل به تفصیل سخن گفته شد و در خانه مردم علمه استبداد موجود بر علیه "آزادی" شعار دادند . برخی از دیگر شعارها چنین بود : بزرگ بهترین از این زندگی تنگسین است . . . زندگی یعنی مبارزه در راه عقیده و ایمان . . . در در خورشید و در زوال نیز تظاهرات شایه برپا شد . در دزفول جوانان شرقی مذهبی در عده مرکزی شهر اجتماع و تظاهر کردند و علمه رژیم مزیدی شاه شعار دادند . خبرهای رسیده حاکی است که گمانا تا ۱۰۰ نفر پامیس از دستگیر شده است .

در بهبهان نیز تظاهرات و مراکز اعتراضی شایه صورت گرفت که ضمن آن اعلامیه های نوبیله رژیم سفاک آرمایی بسن مردم بخشیده . در بهبهان ۱۲ نفر توسط پامیس از دستگیر شده است .